اخبار

شوک جدید به بازار ارز و کالاهای اساسی

خطر در اقتصاد ایران؛ ۲ میلیارد دلار ارز کم شد!

طبق آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی، میزان تامین ارز واردات سال جاری در بازه زمانی بیشتر نسبت به سال گذشته، با کاهشی بیش از دو میلیارد دلار همراه بوده است.

به گزارش ایسنا، بانک مرکزی در جدیدترین گزارش خود از تامین ارز ۴۲ میلیارد و ۶۱۳ میلیون دلار برای نیازهای مختلف وارداتی کشور (از اول سال ۱۴۰۴ تا ۲۵ آذر ۱۴۰۴) خبر داد که این آمار نشان از کاهش میزان تامین ارز بانک مرکزی به نسبت سال گذشته است. اتفاقی که بی‌تردید در شرایط فعلی کشور بی‌تاثیر نیست!

طبق آمار بانک مرکزی در رابطه با تامین ارز واردات، از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۳ نزدیک به ۴۴ میلیارد دلار (۴۳ میلیارد و ۹۵۱ میلیون دلار) ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی و خدمات تامین شده بود، اما از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ۲۵ آذر ۱۴۰۴ (۳۲ روز بیشتر از بازه زمانی سال قبل) میزان تامین ارز بانک مرکزی کاهش یافته است.

کارشناسان معتقدند که کاهش میزان تامین ارز سال جاری برای واردات به نسبت سال گذشته، موضوعی است که از شرایط فعلی کشور مثل اجرایی شدن اسنپ بک علیه ایران تاثیر پذیر بوده است. اتفاقی که به طور مستقیم روی بازار ارز، کالا و ... تاثیر منفی داشته است.

گفتنی است؛ امروز (شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۴) در مرکز مبادله ایران، دلار آمریکا با نرخ ۱۰۸ هزار و ۷۳۴ تومان، یورو با نرخ ۱۲۷ هزار و ۴۳۸ تومان و درهم با نرخ ۲۹ هزار و ۶۰۷ تومان مورد مبادله قرار گرفت.

تفاوت تامین ارز پارسال و امسال

سال قبل طبق آمار بانک مرکزی (اول فرودین تا ۲۳ آبان ۱۴۰۳) برای کالاهای اساسی و دارو ۹ میلیارد و ۳۹۷ میلیون دلار، برای کالاهای تجاری و بازرگانی مبلغ ۲۳ میلیارد و ۹۸۹ میلیون دلار، برای خدمات ۹۴۵ میلیون دلار و برای واردات در مقابل صادرات ۹ میلیارد و ۶۲۰ میلیون دلار تأمین ارز صورت گرفته بود.

برای امسال، اما از ابتدای فروردین تا ۲۵ آذر ۱۴۰۴ (۳۲ روز بیشتر از بازه زمانی سال قبل) ۹ میلیارد و ۴۲ میلیون دلار به واردات کالاهای اساسی و دارو شامل ۶ میلیارد و ۹۴۹ میلیون دلار برای نهاده‌ها و بخش کشاورزی و ۲ میلیارد و ۹۳ میلیون دلار برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی تخصیص یافته است. علاوه بر این، یک میلیارد و ۳۱۷ میلیون دلار برای تقویت ذخایر راهبردی کشور پرداخت شده است.

طبق آمار ۳۱ میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار نیز به واردات کالاهای تجاری و بازرگانی (صنایع حمل‌ونقل و خودرو: ۶ میلیارد و ۲۷۶ میلیون دلار، صنایع تجهیزات برق و الکترونیک: ۴ میلیارد و ۴۶۳ میلیون دلار، ماشین‌آلات و تجهیزات تولید: ۳ میلیارد و ۷۶۴ میلیون دلار، صنایع شیمیایی و پلیمری: ۳ میلیارد و ۱۳۲ میلیون دلار، صنایع معدنی: ۲ میلیارد و ۱۵۷ میلیون دلار، منسوجات و پوشاک: ۷۸۰ میلیون دلار و سایر صنایع: ۱۰ میلیارد و ۶۲۱ میلیون دلار) اختصاص یافته است.

نکته قابل تامل نسبت به سال قبل

بی‌تردید نقش صنایع در پیشبرد اهداف اقتصادی کشور (دولت) و بهبود شرایط جامعه (از نظر نرخ بیکاری و ...) پررنگ و غیر قابل انکار است. با وجود این مهم، طبق آمار، اما میزان تامین ارز صنایع با کاهش چشمگیر ۲ میلیارد و ۴۱۶ میلیون دلاری همراه بوده است.

تا ۲۳ آبان ۱۴۰۳ مبلغ ۳۳ میلیارد و ۶۰۹ میلیون دلار برای بخش صنایع تامین ارز صورت گرفته بود، اما امسال تا ۲۵ آذر این مبلغ به ۳۱ میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار کاهش یافته است!

وقتی شوک بنزین به سفته‌بازی دلار دامن می‌زند

زندگی مردم در تله گرانی بنزین و دلار

تحلیلگر مسائل اقتصادی معتقد است؛ تداوم نرخ‌های چندگانه، موتور محرک سفته‌بازی است. باید یک نقشه راه برای حرکت به سمت یک نرخ شناور مدیریت‌شده اعلام شود تا انتظارات تثبیت گردند.

توقف پروژه‌های عمرانی، کاهش هزینه‌های جاری و موضوعاتی از این دست، در کوتاه‌مدت ممکن است به رکود دامن بزند و بار معیشت را سنگین‌تر کند. مردم الان با کاهش قدرت خرید دست و پنجه نرم می‌کنند

افزایش نرخ ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی، همواره چالشی جدی برای ثبات اقتصادی کشورها، به ویژه اقتصادهایی با وابستگی بالا به واردات و صادرات کالاهای اساسی، محسوب می‌شود.

نرخ ارز صرفاً یک قیمت نسبی نیست، بلکه یک شاخص حیاتی است که بر تراز تجاری، سطح بدهی‌های خارجی و در نهایت، قدرت خرید داخلی مردم تأثیر مستقیم می‌گذارد.

در شرایطی که جامعه شاهد شوک قیمتی ناشی از افزایش نرخ حامل‌های انرژی مانند بنزین است، فشار مضاعفی بر سبد خانوار و قدرت خرید عمومی وارد شده و ریسک سفته‌بازی در بازار ارز را به شدت تشدید می‌کند. این وضعیت، یک بحران دوگانه را رقم می‌زند؛ یک شوک از بیرون و یک شوک از درون. بی‌توجهی به مدیریت این بحران دوگانه، به طور قطع تبعات سنگینی از جمله تورم افسارگسیخته، رکود اقتصادی عمیق، کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و فرسایش سرمایه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

تأثیر قیمت بنزین بر انتظارات تورمی و ساختار هزینه

فشار بر ارزش پول ملی محصول تلاقی عوامل ساختاری و شوک‌های برون‌زا است. درک این ریشه‌ها برای طراحی راهکارهای مؤثر حیاتی است. تأثیر قیمت بنزین بر انتظارات تورمی و ساختار هزینه، یکی از این عوامل است؛ افزایش قیمت بنزین یا هر حامل انرژی اساسی دیگر، صرفاً یک تغییر در قیمت نهایی نیست؛ بلکه یک شوک جانبی مستقیم بر هزینه‌های تولید و حمل و نقل در کل زنجیره تأمین وارد می‌کند. کانال‌های انتقال این شوک انرژی به تورم عمومی شامل هزینه‌های حمل و نقل است که مستقیماً بر هزینه‌های لجستیک تأثیر می‌گذارد و این افزایش هزینه‌ها به سرعت به قیمت نهایی مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

همچنین، صنایعی که مصرف انرژی بالایی دارند، با افزایش شدید هزینه‌های تولید مواجه می‌شوند و حتی اگر قیمت این محصولات در بازارهای جهانی ثابت بماند، قیمت داخلی آنها افزایش می‌یابد. مهم‌ترین اثر روانی افزایش قیمت انرژی، القای این حس به فعالان اقتصادی است که دولت قادر به کنترل هزینه‌های کلان نیست و این انتظارات، منجر به پیش‌دستی در خریدهای غیرضروری و افزایش تقاضا برای ذخیره‌سازی می‌شود. در نتیجه، تقاضا برای دارایی‌های امن مانند ارز، طلا و مسکن، افزایش یافته و فشار بر نرخ ارز را تشدید می‌کند. هنگامی که تورم انتظاری بالا می‌رود، نرخ ارز به عنوان پوشش ریسک مورد توجه قرار می‌گیرد و این امر اثرگذاری بر نرخ ارز از منظر تقاضا را تقویت می‌کند. عامل مهم دیگر، ناهمسویی سیاست‌های پولی و مالی است؛ ضعف بنیادین در پایداری مالی دولت، بزرگترین عامل تضعیف‌کننده اعتماد به پول ملی است.

ساختاری که قدرت خرید را نابود می‌کند

سهراب هاشمی، تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ به تبعات دلار زدگی در اقتصاد ایران و پیامدهای نوسان ارز اشاره کرد و گفت: بحران دوگانه است، اما اجازه دهید روی بخش شوک از درون تمرکز کنیم. افزایش قیمت بنزین، حتی اگر برای بهینه‌سازی مصرف باشد، به دلیل ساختار اقتصاد ما که به شدت به حمل و نقل وابسته است، عملاً یک مالیات پنهان بر تمام تولیدات است. این فشار، قدرت خرید را نابود می‌کند و کار را برای مدیریت نرخ ارز سخت‌تر.

هاشمی تاکید کرد: دقیقاً به همین دلیل است که راهکار مسکّن جواب نمی‌دهد. اگر دولت نتواند کسری بودجه ساختاری خود را با اصلاحات مالیاتی و کاهش هزینه‌های غیرضروری مهار کند، هر تلاشی برای تثبیت نرخ ارز محکوم به شکست است. تا زمانی که دولت برای پوشش کسری به سراغ خلق پول یا ارز ترجیحی برود، اعتماد عمومی زیر سؤال می‌رود و مردم ناچارند برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان به ارز پناه ببرند.

مردم با کاهش قدرت خرید دست و پنجه نرم می‌کنند

به گفته این تحلیلگر مسائل اقتصادی، اینجاست که نگرانی‌ها شروع می‌شود. توقف پروژه‌های عمرانی، کاهش هزینه‌های جاری و موضوعاتی از این دست، در کوتاه‌مدت ممکن است به رکود دامن بزند و بار معیشت را سنگین‌تر کند. مردم الان با کاهش قدرت خرید دست و پنجه نرم می‌کنند. اگر همزمان با انضباط مالی، یک برنامه حمایتی هدفمند برای اقشار آسیب‌پذیر نداشته باشیم، فرسایش سرمایه اجتماعی که اشاره کردید، بسیار سریع‌تر رخ خواهد داد.

وی تصریح کرد: راهکار ما باید جایگزینی یارانه‌های انرژی عمومی با حمایت نقدی مستقیم باشد. این کار، هم شوک قیمتی را مدیریت می‌کند و هم بار بودجه‌ای را برای دولت کاهش می‌دهد و به سمت اصلاح ساختاری پیش می‌رویم؛ اما مهم‌تر از همه اینها، شفافیت سیاست ارزی است. تداوم نرخ‌های چندگانه، موتور محرک سفته‌بازی است. باید یک نقشه راه برای حرکت به سمت یک نرخ شناور مدیریت‌شده اعلام شود تا انتظارات تثبیت گردند.

هاشمی با اشاره به اینکه ثبات انتظارات، خود به تنهایی بخشی از ثبات اقتصادی است، گفت: اگر فعالان اقتصادی پیش‌بینی کنند که سیاست‌ها ناگهان تغییر نخواهند کرد، ریسک سرمایه‌گذاری مولدشان کاهش می‌یابد و از پناه بردن به دلالی دست می‌کشند.

هاشمی با تاکید بر اینکه برای مقابله مؤثر با این بحران نیازمند یک بسته سیاستی جامع هستیم که همزمان جنبه‌های ارزی، پولی و ساختاری را پوشش دهد، ادامه داد: اولین گام، کنترل تورم انتظاری از طریق ثبات سیاست‌ها در کوتاه‌مدت و شکستن چرخه انتظارات تورمی تقویت‌شده توسط شوک‌های قیمتی است. این امر مستلزم برقراری انضباط مالی شدید است که نیازمند شجاعت سیاسی برای مدیریت سمت عرضه بودجه می‌باشد. وی تصریح کرد: شفاف‌سازی مالیاتی، از طریق افزایش کارایی اخذ مالیات و کاهش فرار مالیاتی به جای افزایش نرخ مالیات بر تولید، می‌تواند منبع درآمدی پایدار و غیرتورمی ایجاد کند. گام دوم، مدیریت انتظارات از طریق ارتباطات شفاف است؛ به طوری که بانک مرکزی و دولت باید یک پیام واحد و صادقانه به بازار ارسال کنند و تعهد به مهار تورم را از طریق اعلام برنامه‌های پولی مشخص، مثلاً هدف‌گذاری برای رشد نقدینگی در محدوده‌ای قابل قبول و وابسته به رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، نشان دهند. ثبات در سیاست ارزی، با اعلام یک نقشه راه مشخص برای حذف تدریجی نرخ‌های چندگانه و حرکت به سمت یک سازوکار شناور مدیریت‌شده، حتی اگر در کوتاه‌مدت منجر به نوسانات جزئی شود، ثبات انتظارات بلندمدت را تقویت می‌کند.

انتظارات تورمی کنترل نشده باقی مانده

به گفته این تحلیلگر مسائل اقتصادی، هشدار این است که اگر این بحران دوگانه بدون برنامه مؤثر مدیریتی و با تکیه بر مسکن‌های موقت رها شود، اقتصاد ملی وارد فاز تخریب ساختاری خواهد شد. در محیطی که ارزش پول به سرعت در حال کاهش است و انتظارات تورمی کنترل نشده باقی مانده، منطق اقتصادی حکم می‌کند که سرمایه‌ها از فعالیت‌های مولد خارج شوند. این امر منجر به فرار سرمایه از تولید می‌شود؛ سرمایه‌گذاران مولد به جای سرمایه‌گذاری مجدد در تولید، سود حاصل را به سمت دارایی‌های دلالی سوق می‌دهند و این باعث استهلاک سرمایه فیزیکی و کاهش ظرفیت‌های تولیدی کشور در آینده می‌شود. سفته‌بازی در بازار ارز، نوسانات را تشدید کرده و تخصیص منابع را مختل می‌سازد، به طوری که هرگونه سرمایه‌گذاری بلندمدت ریسک غیرقابل قبولی پیدا می‌کند و ریسک سیستماتیک افزایش می‌یابد.

وی تصریح کرد: علاوه بر این، تورم ناشی از این بحران، یک تورم بی‌عدالت است که منجر به فقر اقتصادی گسترده‌تر و نابرابری می‌شود. حقوق‌بگیران و مشاغل ثابت که درآمد ریالی دارند، اولین قربانیان هستند و ارزش واقعی دستمزدها با سرعت خیره‌کننده‌ای کاهش می‌یابد، که این امر منجر به از بین رفتن طبقه متوسط و تشدید شکاف طبقاتی می‌شود. دهک‌های پایین درآمدی که یارانه هدفمند دریافت نمی‌کنند، به دلیل افزایش قیمت کالاهای اساسی که سهم بزرگی از سبد مصرفی آنها را تشکیل می‌دهند، به فقر مطلق سقوط می‌کنند.

آزمونی برای حکمرانی اقتصادی

به گزارش اقتصاد ۲۴، موفقیت اقتصاد کشور در گرو عزم سیاسی برای اجرای همزمان انضباط مالی و شفافیت ارزی است، در حالی که سپر حمایتی برای دهک‌های پایین حفظ شود. این بحران‌ها همواره آزمونی برای حکمرانی اقتصادی است. تأخیر در اقدام قاطع، هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند که جبران آن دهه‌ها زمان می‌برد. ثبات پول ملی، نتیجه طبیعی ثبات سیاست‌هاست.

واردکنندگان قطعه پشت‌پرده گرانی بازار آجیل هستند؟

واردکنندگان قطعه، ارز نداشتند مجبور شدند آجیل صادر کنند

یک فعال حوزه قطعه سازی خودرو دلیل ورود قطعه‌سازان به بازار خشکبار را تشریح کرد.

به گزارش خبرآنلاین، روز گذشته رییس اتحادیه خشکبار اعلام کرد که سال گذشته شرکت‌های واردکننده‌ی قطعه به بحث خشکبار ورود کردند و خشکبار را با بالاتر از قیمت داخلی خریداری می‌کردند اما همین کالایی که قابل رقابت با هیچ کشور دیگری نیست را به پایین‌تر از قیمت در بازارهای خارجی صادر کردند.

وی با تاکید بر این‌که خشکبار ایران رقیب ندارد، تاکید کرد: هر چند این اتفاق برای باغدار ما خوب بود اما جنسی که واحدهای عرضه‌کننده برای فروش گذاشته بودند توسط دلالان جمع شد و در نتیجه بازار به هم ریخت از این رو نظارت کافی و درستی وجود ندارد.

اما ماجرای ورود واردکنندگان قطعه به بازار خشکبار چه بود؟

محمدرضا نجفی‌منش، رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو کشور در گفتگو با خبرگزاری خبرآنلاین با تاکید بر این‌که چنین اقدامی اصلا در شرایط فعلی عجیب نیست، تاکید کرد: در شرایط فعلی با کمبود قابل ملاحظه‌ی ارز روبه‌رو هستیم از این رو این امکان را گذاشته‌اند که اگر کسی کالایی صادر کند با ارز حاصل از این صادرات می‌تواند نسبت به واردات اقدام کند.

او در توضیح این مطلب افزود: شرکت‌های واردکننده‌ی قطعه نیز چون ارزی برای واردات نداشتند، احتمالا نسبت به ورود به بازار خشکبار برای صادر کردن آن و به دست آوردن امکانی برای واردات اقلام موردنیازشان اقدام کرده‌اند. البته من شخصا چنین کاری نکردم اما می‌دانم ورود به این حیطه با این هدف صورت می‌گیرد و وقتی منع قانونی ندارد، اشکالی در این کار نمی‌بینم.

او در جواب این نکته که رییس اتحادیه خشکبار اعلام کرده در اثر این اقدام بازار خشکبار به هم ریخته است، گفت: باید دقیقا اعلام شود چه میزان صادرات توسط شرکت‌های واردکننده‌ی قطعه‌ی خودرو صورت گرفته و این صادرات به چه قیمتی بوده، شاید یک هماهنگی ساده این مشکل را برطرف کند، در عین حال این امکان برای صادرات اقلامی چون مس و الومینیوم و فولاد و مواد اولیه و ... وجود دارد و برخی برای تامین ارز موردنیازشان نسبت به صادرات آن‌ها اقدام می‌کنند.

وی توضیح داد: در اشل بزرگ‌تر صدور مجوز واردات بدون انتقال ارز تا حدی می‌تواند این معضل را برطرف کند، البته در حال حاضر در برخی مناطق محدود مرزنشین، واردات کالاهای اساسی بدون انتقال ارز پیش‌بینی شده است اما چنین مجوزی به صورت عام وجود ندارد.

نجفی منش تاکید کرد: قطعه‌سازان مدت‌های طولانی در صف دریافت ارز می‌مانند و همین موضوع سبب شده است با مشکلات متعددی روبه‌رو باشند.

او در جواب این پرسش که آیا هدایت قطعه‌سازان و واردکنندگان قطعه به تالار دوم مشکل را حل نکرده است؟ گفت: این اقدام به تازگی انجام شده و باید دید میزان تخصیص ارز در این تالار دوم چقدر است.

وی توضیح داد: قیمت ارز در تالار دوم سی درصد بیشتر از قبل شده و طبیعتا این افزایش سی درصدی هزینه‌ها را نیز به طور مستقیم بالا می‌برد.

خبر

قاچاق لوازم خانگی از مسیر کوله‌بری و ته‌لنجی:

ضربه چند میلیارد دلاری بر تولید ملی

در شرایطی که کاهش قدرت خرید خانوارها بازار لوازم خانگی را با رکودی عمیق مواجه کرده است و مصرف‌کنندگان را به تعمیر چندباره یا خرید کالای دست‌دوم سوق داده است، ورود گسترده لوازم خانگی قاچاق از مسیر کوله‌بری و ته‌لنجی، چالشی مضاعف برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد کرده است.

به گزارش ایلنا، در شرایطی که مشکلات اقتصادی هزینه تأمین مایحتاج خانوارها، به‌ویژه در حوزه لوازم خانگی، را به‌شدت افزایش داده است و بسیاری از مصرف‌کنندگان را به سمت تعمیر چندباره یا خرید کالاهای دست‌دوم سوق داده است، ورود کالای قاچاق و غیررسمی از طریق کوله‌بری و ته‌لنجی از عوامل مهم دیگری است که این وضعیت را تشدید کرده است .

این نوع واردات که بخشی از آن به بهانه تأمین معیشت مرزنشینان صورت می‌گیرد، در عمل نه‌تنها به حل مشکلات معیشتی نمی‌انجامد، بلکه به تولید ملی و مصرف‌کننده آسیب جدی می‌زند. براساس برآوردهای مقدماتی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حجم کل واردات کالا از مسیر کوله‌بری و ته‌لنجی بین ۴ تا ۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، رقمی که نشان‌دهنده وسعت قابل توجه این پدیده است. بخش زیادی از این واردات شامل کالاهایی است که مشابه آن در داخل کشور تولید می‌شود، از جمله پوشاک، کفش و لوازم خانگی. این آمار در حالی مطرح می‌شود که بازار داخلی لوازم خانگی به‌دلیل کاهش قدرت خرید مردم، رکود عمیقی را تجربه می‌کند و تولیدکنندگان داخلی با مشکلات جدی در تأمین ارز، مواد اولیه، هزینه‌های تولید و بازاریابی روبه‌رو هستند. در چنین وضعیتی، ورود کالای قاچاق با قیمت کم و تاحدی پایین‌تر از کالاهای رسمی و تولید داخل، ذهنیت مصرف‌کننده را به برندهای خارجی جذب می‌کند؛ ذهنیتی که به‌واسطه اعتماد بیشتر به برند جهانی شکل گرفته و باعث شده است مصرف‌کننده به‌جای انتخاب کالای باکیفیت و دارای گارانتی رسمی داخلی، سراغ کالای قاچاق برود. بر اساس تحلیل‌ها، به ازای هر یک میلیارد دلار واردات کالاهای مشابه تولید داخل، حدود ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در کشور از بین می‌رود. با احتساب میانگین واردات کوله‌بری و ته‌لنجی، این پدیده می‌تواند تا ۷۰۰ هزار شغل مستقیم را در بخش‌های مرتبط با تولید لوازم خانگی تحت تأثیر منفی قرار دهد، رقمی که نشان‌دهنده عمق بحران برای تولیدکنندگان داخلی است. این امر درحالیست که شعار سال بر سرمایه‌گذاری در تولید ملی تأکید دارد، اما رقابت ناعادلانه با کالای قاچاق باعث شده تا تولیدکنندگان داخلی نتوانند در شرایط مساوی با رقبای غیررسمی رقابت کنند. فاصله قیمت بین کالای قاچاق برند خارجی و کالای باکیفیت و گارانتی‌دار ساخت داخل در بسیاری موارد اندک است و این باعث می‌شود که مصرف‌کنندگان در بلندمدت ترجیح دهند کالای خارجی قاچاق را بخرند، حتی اگر از نظر کیفیت و خدمات پس از فروش برتری نداشته باشد و این موضوعی است که به زیان مصرف‌کننده و اقتصاد ملی تمام می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات متعدد خود نسبت به واردات بی‌رویه کالاهای دارای تولید داخل، به‌عنوان «خنجری بر قلب تولید کشور» هشدار داده‌اند، هشداری که نشان می‌دهد این مسئله فراتر از یک چالش منطقه‌ای یا معیشتی بوده و به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور ارتباط دارد. در همین زمینه، تولیدکنندگان داخلی بارها اعلام کرده‌اند که نبود حمایت‌های مؤثر، محدودیت‌های ارزی و دشواری دسترسی به مواد اولیه، همراه با ورود گسترده کالاهای قاچاق، شرایط رقابت سالم را از آنها گرفته است و بخش قابل توجهی از ظرفیت تولیدی کشور بلااستفاده باقی مانده یا با کاهش تولید روبه‌رو شده است. نهایتاً، معضل واردات از مسیر کوله‌بری و ته‌لنجی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت برخی منافع محدود را برای گروه‌های خاص تأمین کند، اما در افق بلندمدت به تضعیف تولید ملی، کاهش اشتغال و افزایش وابستگی اقتصادی کشور به واردات غیررسمی می‌انجامد. نتیجه‌ای که با شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» در تضاد آشکار است و نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌های تجاری، گمرکی و حمایت از تولید داخل است.

سدهای پایتخت از خروج از مدار نجات یافتند

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران از حفظ تاب‌آوری سدهای پایتخت در شرایط ششمین خشکسالی پیاپی خبر داد و تاکید کرد که مدیریت مصرف آب، نشت‌یابی شبکه و نصب یک میلیون قطعه لوازم کاهنده، نقش مهمی در کاهش ۱۲ درصدی مصرف مشترکان تهرانی داشته است.

به گزارش ایسنا، محسن اردکانی، ضمن تشریح اقدام‌های انجام‌شده برای حفظ پایداری منابع آب و مدیریت مصرف در پایتخت، به گزارش شرکت آب منطقه‌ای درباره تاب‌آوری سدهای تهران پرداخت و گفت: براساس این گزارش، پیش‌بینی می‌شد سدهای امیرکبیر، لتیان، لار و ماملو در صورت تداوم خشکسالی و عدم مدیریت شرایط تنش آبی، به تدریج از مدار بهره‌برداری خارج شوند اما با اقدام‌های انجام شده و نشست‌های مستمر با حضور وزیر نیرو، پیش‌بینی‌های بسیار محتمل به وقوع نپیوست که این موفقیت، حاصل همراهی مردم و یک کار گروهی به فرماندهی وزیر نیرو بود.

وی با بیان اینکه در ششمین خشکسالی پیاپی، شرایط سختی را سپری می‌کنیم، افزود: با این حال، توانسته‌ایم ۱۶ هزار و ۳۸۲ لیتر بر ثانیه از منابع مختلف زیرزمینی ازجمله حفر و بهسازی چاه‌ها و بررسی تمامی قنوات، استحصال کنیم که این اقدام‌ها موجب پایداری سدها طی سال‌های گذشته و به ویژه امسال شده است.

مدیرعامل آبفای تهران ادامه داد: با کاهش فشار و مدیریت دقیق شبکه، طی ۸ ماه گذشته ۱۶ میلیون مترمکعب از نشتی آب شبکه پایتخت با اختلاف ارتفاع ۸۰۰ متری توزیع آب و انجام مانور بر روی ۴۵ هزار و ۶۲۶ شیرخط جلوگیری شد که امکان توزیع آب به میزان مناسب بین شهروندان و کنترل مصرف را فراهم کرد.

به‌گفته وی، در سال جاری از مجموع ۱۸ هزار کیلومتر خطوط شبکه انتقال و توزیع آب پایتخت، ۸ هزار کیلومتر نشت‌یابی و ۴۰۰ مورد نشت شناسایی شده که با نوسازی ۲۵۰ کیلومتر از خطوط، نشتی‌ها برطرف شده است.

مدیرعامل شرکت آبفای استان تهران سپس یکی از اقدام‌های مهم انجام‌شده برای مدیریت تامین آب در شهر تهران را تسریع در اجرای پروژه بزرگ رینگ آبرسانی تهران موسوم به قمر بنی‌هاشم (ع) خواند و گفت: در یکی دو سال اخیر اجرای این پروژه شامل خطوط با قطرهای بالای ۱۶۰۰، ۱۸۰۰ میلی‌متر، سالانه حدود ۱۴ کیلومتر پیشرفت داشته است که این امکان را فراهم می‌کند تا همین منابع محدود آب را در خطوط توزیع موجود مدیریت کنیم.

وی با بیان اینکه تهران از دو سامانه شرق و غرب آب می‌گیرد، اظهار کرد: در گذشته ممکن بود سد کرج آب داشته باشد اما سد لتیان با کمبود آب مواجه باشد که باعث می‌شد بخشی از شرق با مشکل کم‌آبی روبرو شود. اما اقدام‌هایی که ظرف یکی دو سال گذشته و به‌ویژه امسال انجام گرفت، باعث شد در هر دو سامانه آب موجود باشد و بتوانیم آن را در کل شهر توزیع کنیم و این مدیریت برداشت از سدها یکی از دلایل افزایش پایداری منابع در این مدت بوده است.

اردکانی که در نشست شورای اطلاع‌رسانی دولت که به میزبانی وزارت نیرو برگزار شد، سخن می‌گفت، در ادامه درباره میزان هدررفت آب شبکه تهران، توضیح داد: به طور کلی ۲۲ درصد آب بدون درآمد یا به اصطلاح عمومی هدررفت آب داریم که فقط ۹.۷ درصد آن هدررفت واقعی و ۱۱ درصد آن هدررفت ظاهری و شامل مصارف غیرمجاز و خطاهای دستگاه‌های اندازه‌گیری و قرائت کنتور می‌شود و ۱.۴۶ درصد نیز مصارف بدون درآمد مانند شست‌وشوی مخازن و حوادث است.

اردکانی همچنین با اشاره به نصب لوازم کاهنده مصرف، گفت: لوازم کاهنده دستکم ۳۰ درصد مصرف آب را کاهش می‌دهند که تاکنون یک میلیون قطعه شیرآلات و لوازم کاهنده در شهر تهران نصب شده است و در کنار اقدام‌هایی نظیر قدردانی از خوش‌مصرفان و برخورد با بدمصرفان، حدود ۱۷۳ هزار انشعاب غیرمجاز شناسایی، جریمه و یا به انشعاب قانونی تبدیل شده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: الگوی مصرف آب به‌ازای هر نفر در تهران اکنون ۱۳۰ لیتر در شبانه‌روز است که در گذشته فقط ۲۹ درصد شهروندان این الگو را رعایت می‌کردند اما این میزان هم‌اکنون به ۳۵ درصد رسیده است و شمار مشترکان پرمصرف با مصرفی تا دو برابر الگوی تعیین‌شده از ۶۴ به ۶۰ درصد کاهش یافته و تعداد مشترکان بدمصرف با مصرفی بیش از دو برابر الگو نیز از ۷ به ۵ درصد کاهش یافته است ضمن آنکه سرانه مصرف هر خانواده نیز در هشت ماه اخیر با ماهانه ۱۷۰۰ لیتر کاهش از ۱۵ هزار و ۶۰۰ لیتر در ماه به ۱۳ هزار و ۹۰۰ لیتر رسیده است.

اردکانی در پایان گفت: با همراهی مردم توانسته‌ایم مصرف آب را در مقایسه با سال گذشته ۱۲ درصد کاهش داده و ۱۰۲ میلیون مترمکعب آب

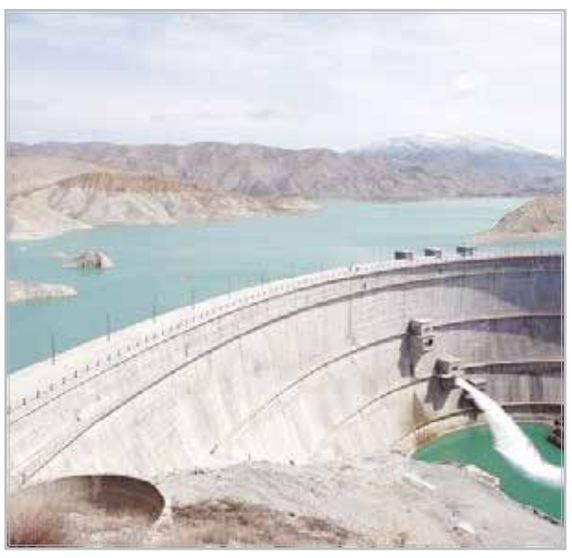

کمتری در شبکه توزیع کنیم که این میزان حدود ۱.۳ برابر ظرفیت کامل سد لتیان محسوب می‌شود و همکاری شهروندان در مدیریت مصرف آب بسیار جای قدردانی و امتنان دارد.